

واکاوی دیدگاهها درباره مکان اعتکاف

محمدصادق یوسفی مقدم^۱

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۸)

چکیده

اعتکاف اصطلاح و عبادتی شرعی است که بیان حدود و شرایط آن از جمله مکان اعتکاف مستند به نصوص است. بر این اساس برخی از فقیهان اعتکاف را در هر مسجدی هر چند در آن اقامه جماعت نشود جایز دانسته، برخی با استناد به روایات جواز اعتکاف را محدود به مساجد چهارگانه‌ای که پیامبر ﷺ یا وصی‌اش در آنها اقامه نماز جماعت کرده‌اند، نموده و انجام این عبادت را در غیر مساجد یادشده مشروع نمی‌دانند. در مقابل بسیاری از فقیهان انجام این عبادت را به مساجد جامع توسعه داده و انجام آن را در سایر مساجد به قصد رجاء پذیرفته‌اند. در این مقاله با رویکرد نظری و روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ادله دیدگاهها در باره مکان اعتکاف پرداخته و با بررسی روایات و اقوال فقیهان، عدم انحصار اعتکاف به مساجد اربعه و مسجد جامع به معنای مصطلح ثابت شده و مشروعیت انجام آن در مسجدی که اقامه جماعت در آنها صورت می‌پذیرد به صورت استدلالی شده است.

کلیدواژه‌ها: اعتکاف، عبادت، روایات، مساجد، جماعت، فقه.

طرح مسئله

در ادیان و آئینهای مختلف مکانهای خاصی از قبیل معبد، کلیسا و دیر برای عبادت و نیایش در نظر گرفته شده است. در مکتب اسلام نیز هر چند عبادت و نیایش با خداوند محدود به مکان و بنای خاصی نیست و در هر زمان و مکانی می‌توان به عبادت و پرستش خداوند

۱. دانشیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم/

پرداخت: «وَاللَّهُ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ: مغرب و مشرق هر دو ملک خداست، پس به هر طرف روی کنید، به سوی خدا روی آورده‌اید که خدا (به همه جا) محیط و به (هر چیز) داناست» (بقره، ۱۱۵)، در عین حال مکانی خاص به نام مسجد برای فعالیت‌های عبادی مسلمانان پی‌ریزی شده و به عنوان محبوب‌ترین مکان پرستش (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/۴۸۹)، جزء جداناپذیر جامعه اسلامی گردیده است و در جای‌جای شهرها و بلاد اسلامی بناهایی با عنوان مسجد ساخته شده که قلب تپنده و محل پرستش و آموزش‌های مذهبی و سایر کارکردهای عبادی و اجتماعی شهر است.

یکی از مناسک عبادی که باید در مسجد انجام پذیرد و بدون مسجد، فاقد مشروعیت است، اعتکاف است. در اینکه مراد از مسجد محل اعتکاف چیست، از گذشته دور تا کنون کلمات و عبارات فقها درباره آن متفاوت است. برخی آن را محدود به مساجد اربعه یا خمسه، برخی به مسجد اعظم (جامع) و برخی دیگر به مسجدی که پیامبر ﷺ یا وصی او در آن نماز گزارده باشند، محدود نموده‌اند. اکنون پرسش این است که با عنایت به اینکه اعتکاف عبادتی است که مورد نیاز عموم افراد جامعه اسلامی است و با توجه به تعدد و تنوع مساجد در شهرها و روستاهای مختلف، اعتکاف در کدام مسجد واجد مشروعیت است؟ ابتدا دو واژه اعتکاف و مسجد تبیین می‌شود و سپس به بیان ادله و اقوال فقیهان پرداخته می‌شود.

مفهوم اعتکاف

در کتب لغت برای اعتکاف (مصدر باب افتعال از ریشه ع-ک-ف) معانی گوناگونی آمده است از جمله ملازمت بر چیزی همراه با بزرگداشت آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۷۹)، روی آوردن بر هر چیزی و روی برنگرداندن از آن (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۱/۲۰۵)، حبس-کردن (جوهری، ۱۳۷۶ق، ۴/۱۴۰۶) و... آمده است. نیز برای اعتکاف در اصطلاح معانی مختلفی بیان شده است. برخی اعتکاف را حبس کردن نفس بر عبادت برای خدا در مسجد جامع همراه با سه روز روزه پیوسته، دانسته‌اند. برخی آن را به توقف در مسجد به قصد عبادت تعریف کرده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ۶/۲۲۴) و برخی آن را به توقف مخصوص به قصد عبادت تعریف کرده‌اند (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۲/۲۴۳). تعاریف یادشده متضمن این معنا است که اعتکاف خود عبادت مستقلی نیست، بلکه اعتکاف توقف در مسجد است برای عبادت دیگر (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۵/۳۵۰)؛ در حالی که از برخی روایات

می‌توان استفاده کرد که اعتکاف خودش عبادت است^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۷۸/۴). افزون بر اینکه به گفته برخی فقیهان در تحقق اعتکاف به غیر از درنگ در مسجد همراه با قصد قربت، ضمیمه کردن عبادت دیگری واجب نیست (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۶ق، ۳۴۰).

مفهوم مسجد

مسجد اسم مکان^۳ و به معنای محل سجده یا عبادت آمده است (قرشی، ۱۳۷۱ش، ۳/۲۲۷-۲۲۶) و در اصطلاح شرع مکانی است که به منظور انجام نماز و عبادت بنا شده و احکام خاصی به خود گرفته است (مشکینی، ۱۴۱۹ق، ۴۸۹). به استناد برخی آیات قرآن (توبه، ۱۰۸) و سیره پیامبر ﷺ، بنا و ایجاد مکانی اختصاصی برای عبادت و بندگی خداوند، در آغازین روزهای حضور پیامبر ﷺ در مدینه شکل گرفت. سپس با ورود اسلام به هر منطقه، بنای مساجد با در نظر گرفتن دو عنصر ثقل جمعیتی و موقعیت مناسب مکانی جایابی می‌شده است. بنای مسجد بصره در ۱۴ هجری و مسجد کوفه در ۱۷ هجری و با الگوگیری از مسجد پیامبر در بنا و معماری نمونه‌هایی از ساخت مسجد در سایر شهرها و بلاد اسلامی است. در تعامل بین محیط و فرهنگ و تقویت حس معنوی، مکان‌یابی مساجد در روایات مورد توجه قرار گرفته و به در دسترس بودن مساجد تأکید شده است. به نقل اهل سنت پیامبر ﷺ فرمود: هر یک از شما در مسجد (محل سکونت خود) نماز بگزارد و از گزینش و جست‌وجوی مساجد بیره^۴ از این رو مساجد جامع^۵، مساجد محله^۶ مساجد قوم و قبیله و

۲. «عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ قَالَ: كُنْتُ بِالْمَدِينَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُعْتَكِفَ فَمَاذَا أَقُولُ وَمَاذَا أَفْرُضُ عَلَيَّ نَفْسِي فَقَالَ لَا تَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا وَلَا تَقْعُدْ تَحْتَ ظِلِّالٍ حَتَّى تَعُودَ إِلَيَّ مَجْلِسِكِ.»

۳. بنا به قاعده ادبیات عرب، کلماتی که عین الفعل مضارع آنها مضموم باشد اسم زمان و مکان آنها بر وزن مفعَل می‌آید اما برخی واژه‌ها مثل مسجد، مشرق و مغرب... از این قاعده مستثنی هستند و اسم مکان آنها بر وزن مفعَل می‌آید.

۴. لیصل احدکم فی مسجده و لا یتتبع المساجد.

۵. محل اجتماع عموم مردم یک شهر که نماز جمعه در آن اقامه می‌شده است.

۶. این نوع مسجد در محل زندگی افراد و در دسترس‌ترین مساجد در جامعه اسلامی بوده و در هر محدوده شهری وجود داشته است.

مساجد بازار^۷ بنا شده است. اکنون به اختصار به ادله‌ای که بر لزوم انجام عمل عبادی اعتکاف در مسجد اقامه شده است، اشاره می‌شود.

مسجد مکان اعتکاف

اصل اینکه عبادت اعتکاف مشروط است به اینکه باید در مسجد باشد محل نزاع نیست چنانکه بسیاری از فقیهان برای اثبات شرط یاد شده به آیه «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» (بقره، ۱۸۷) استدلال کرده‌اند، بدین صورت که اگر اعتکاف در غیر مسجد جایز بود حرمت مباشرت با زنان در حال اعتکاف به مسجد اختصاص پیدا نمی‌کرد زیرا در حال اعتکاف به صورت مطلق مباشرت با زنان جایز نیست از اینکه حرمت مباشرت در حال اعتکاف را به مسجد مقید کرده است استفاده می‌شود که اعتکاف باید در مسجد صورت پذیرد. بنابراین آیه دلالت دارد بر اینکه مکان اعتکاف مسجد است (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ۴۲۹/۸؛ نووی، بی‌تا، ۴۸۳/۶). برخی با استناد به اجماع گفته‌اند که اعتکاف عبادت و حکم شرعی است و تعیین مکان آن نیز از طریق شرع حاصل می‌شود از این رو همه فقیهان مسلمان در تمام اعصار بر این شرط اتفاق نظر دارند که اعتکاف باید در مسجد باشد و میان آنان در این شرط اختلافی نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۰/۱۷؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۲۴۵/۲؛ ابن‌ابی‌عقیل، ۱۴۰۶ق، ۸۴). البته ادعای اجماع در باره شرط یاد شده قابل قبول نیست زیرا افزون بر آنکه مستند این اجماع نصوص قرآنی و روایی است، برخی مثل حلبی اعتکاف در مکه را بدون ذکر مسجد پذیرفته‌اند (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق، ۱۸۶). روایتی به همین مضمون از منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: اگر شخص در مکه، در مسجد الحرام اعتکاف کرده باشد، این شخص نمازش را در هر جا که بخواند جایز است؛ ولی در موارد دیگر اگر کسی در مسجدی اعتکاف کرده باشد نماز را هم باید در همان مسجد بخواند. مکه با جاهای دیگر در این جهت فرق می‌کند^۸ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۷۷/۴). در روایت دیگری آمده است که معتکف در هر جایی از مکه که خواست می‌تواند معتکف شود (طوسی، ۱۳۹۰ق، ۱۲۸/۲). فقیهان شیعه شرطیت مسجد برای اعتکاف

۷. مساجد بازار در محل کسب و کار مردم در بازار و مکانهای تجاری ساخته می‌شده است.

۸. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْمُعْتَكِفُ بِمَكَّةَ يُصَلِّي فِي أَيِّ بُيُوتِهَا شَاءَ وَ الْمُعْتَكِفُ فِي غَيْرِهِ لَا يُصَلِّي إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي سَمَّاهُ.

را از روایات نیز استفاده کرده‌اند و آن روایات یا مستفیض و یا متواتر است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۰/۱۷) و در جوامع روایی شیعه مانند کافی و وسائل ابوابی به آن تخصیص داده شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۷۸/۴-۱۷۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵۳۸/۱۰ و ۵۴۹). سخن اصلی در این است که اعتکاف در چه مسجدی جایز است و مفاد روایات در این زمینه چیست؟

مقصود از مسجد محل اعتکاف

در اینکه مقصود از مسجد چیست میان فقیهان شیعه و سنی اختلاف نظر است. برخی از فقیهان اهل سنت گفته‌اند اعتکاف در مسجدی صحیح است که پیغمبری آن را ساخته باشد. مانند مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد ایلیا (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۳۳۳/۲). اکثر فقیهان اهل سنت با این نظر مخالفت کرده‌اند و بسیاری از آنان گفته‌اند اعتکاف در هر مسجدی جایز است. آنان به عموم آیه ۱۸۷ بقره استدلال کرده‌اند، به این صورت که آیه مطلق است و در آن برای مسجد قیدی نیامده است و هر مسجدی را برای اعتکاف جایز دانسته است. هر چند برخی پذیرش این نظر را مشروط کرده‌اند به آن که روز جمعه در بین روزهای اعتکاف نباشد (انصاری، ۱۴۱۸ق، ۲۲۰/۱؛ مالک بن انس، ۱۴۰۶ق، ۳۱۳/۱). برخی معتقدند که اعتکاف در مسجدی جایز است که در آن اقامه جماعت شود (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۱۴۹/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۲۳۳/۱). پس معتکف باید مسجدی را که دارای جماعت است برگزیند. برخی می‌گویند: آنان اطلاق آیه را به حدیثی که حدیثه نقل کرده، مقید کرده‌اند مبنی بر این که پیغمبر ﷺ فرمود هر مسجدی که مؤذن و امام جماعت دارد اعتکاف در آن صحیح است^۹. نیز می‌گویند: شافعی، ابوحنیفه و اصحاب آن دو بر همین اساس فتوا داده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۳۳۳/۲). برخی گفته‌اند که اعتکاف فقط در مساجد سه‌گانه یعنی مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد الاقصی جایز است (ابن‌قدامة، بی‌تا، ۱۹۰/۳) و به حدیثی استدلال کرده‌اند که در آن سفرکردن جز برای مساجد سه‌گانه فوق نهی شده است: «لا تشد الرحال الا الی ثلاثه مساجد، مسجد الحرام و مسجد بیت المقدس و مسجدی هذا» (نووی، بی‌تا، ۱۹۰/۳؛ سرخسی، بی‌تا، ۱۱۵/۲)، ولی حق این است که استدلال به حدیث یادشده برای تخصیص اعتکاف به مساجد سه‌گانه، درست نیست زیرا این حدیث بر فرض صحت سند،

۹. کل مسجد له امام و مؤذن فالاعتکاف فیه یصلح (سیوطی، ۱۳۶۵ق، ۲۰۱/۱).

تنها بر تفضیل آن مساجد بر دیگر مساجد دلالت دارد نه بر اختصاص اعتکاف به آن مساجد (جصاص، ۱۴۰۵ق، ۳۰۲/۱)؛ چنان‌که بیشتر فقیهان اهل سنت اختصاص اعتکاف به مساجد سه‌گانه را قبول ندارند و احادیث آن را توجیه کرده‌اند (ابن عربی مالکی، بی‌تا، ۱/۹۵).

در میان فقیهان شیعه برخی گفته‌اند که اعتکاف تنها در چهار مسجد (مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد جامع کوفه و مسجد بصره) جایز است (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ۱۹۹؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ۵۷۷/۳-۵۷۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۱/۱۷) و برخی به جای مسجد بصره مسجد مدائن را قرار داده‌اند و برخی آن را به چهار مسجد ضمیمه کرده و گفته‌اند در پنج مسجد یادشده اعتکاف جایز است (حلی، ۱۴۱۳ق، ۵۷۷/۳). برخی مدعی هستند که احتیاطاً اقتضا می‌کند اعتکاف در غیر مساجد چهارگانه به نیت رجاء و احتمال مطلوب بودن باشد. هر چند در غیر مساجد جامع اعتکاف به نیت رجاء هم جایز نیست (خمینی، ۱۳۹۰ق، ۳۰۵/۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۶ق، ۳۵۲). برخی گفته‌اند که اعتکاف باید در مسجدی باشد که در آن نماز جمعه برگزار می‌شود (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۲/۱۷) و برخی گفته‌اند محل اعتکاف می‌تواند هر مسجد جامعی باشد (ر.ک: خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۲/۲۴۶)؛ چنان‌که صاحب معتبر این قول را به مفید، زهری و نیز به ابن‌ابی‌عقیل و جماعتی نسبت داده است و خود وی نیز همین قول را پسندیده است (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ۲/۷۳۲-۷۳۱).

حق این است که نسبت دادن این قول به ابن‌ابی‌عقیل اشتباهی است که از صاحب معتبر رخ داده است، زیرا در تمام منابع آمده است که ابن‌ابی‌عقیل معتقد است که اعتکاف می‌تواند در هر مسجدی باشد، هر چند بهتر این است که اعتکاف در مسجد الحرام، مسجد الرسول، مسجد کوفه و مساجد جماعت دیگر شهرستانها باشد (ابن‌ابی‌عقیل، ۱۴۰۶ق، ۸۴؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ۵۷۸/۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۰/۱۷). با توجه به اینکه مستند دیدگاهها در باره مکان اعتکاف، روایات است، مناسب است دیدگاهها و مستندات روایی آنها بررسی شود.

بررسی دیدگاهها

۱. هر مسجدی محل اعتکاف است

بسیاری مانند ابو قلابه، ابن عیینه، شافعی، داود الطبری و ابن‌منذر بر این باورند که مفاد آیه «وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» و روایات این است که مسجد به صورت مطلق، مکان اعتکاف است (ابن عربی مالکی، بی‌تا، ۱/۷۸۰؛ ابوحنیفان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ۲/۲۲۰). آنان هیچ‌گونه

قیدی مانند مساجد ثلاثه (مسجد الحرام، مسجد اقصی و مسجد النبی صلی الله علیه و سلم، جمعه، جماعت و مانند آن را برای مسجد محل اعتکاف نمی‌پذیرند. مالک (نعالبی، ۱۴۱۸ق، ۳۹۸/۱) و ابوحنیفه (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۳۳۳/۲) نیز با استناد به اطلاق آیه یادشده اعتکاف را در هر مسجدی جایز می‌داند. چنان‌که برخی مانند ابن‌ابی‌عقیل همین نظر را پذیرفته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۳/۱۷؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳ش، ۲۱۶/۱). حر عاملی از قول ابن‌ابی‌عقیل در وسائل الشیعه چنین نقل کرده است که: اعتکاف در نظر اهل بیت پیغمبر جز در مساجد جایز نیست، هر چند بهترین و بافضیلت‌ترین اعتکاف آن است که در مسجد الحرام یا مسجد الرسول و یا مسجد کوفه باشد و در دیگر شهرها بهتر است که اعتکاف در مساجدی باشد که همواره در آن جماعت برگزار می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵۴۲/۱۰). بر اساس نظر ابن‌ابی‌عقیل مسجد به صورت مطلق مکان اعتکاف است، هر چند اعتکاف در مساجد سه‌گانه و مساجد شهرها که در آنها اقامه جماعت می‌شود، از فضیلت بیشتری برخوردار است. از ظاهر برخی روایات مانند روایت داوود بن حصین که از امام صادق علیه السلام نقل کرده است استفاده می‌شود که معتکف می‌تواند در مسجد شهری که در آن زندگی می‌کند اعتکاف کند (لا اعتکاف الا بصوم و فی مسجد المصر الذی انت فیه) (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۴۰۲/۷). اطلاق این عبارت بیانگر آن است که هر مسجدی در شهر مکان اعتکاف است. این روایت را محقق حلی نیز در معتبر آورده است (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ۷۳۳/۲). البته ظاهر قرآن مجید اطلاق این روایت را تأیید می‌کند (بقره، ۱۸۷). بر اساس ظاهر این آیه هر مسجدی می‌تواند مکان اعتکاف باشد، حتی مسجدی که کسی به آن رفت و آمد ندارد و نماز جماعت در آن اقامه نمی‌شود.

حق این است که آیه و روایت یادشده، دلالت ندارند بر اینکه هر مسجدی گرچه نماز جماعت در آن برقرار نباشد محل اعتکاف است؛ زیرا اولاً آیه «لاتباشروهن و انتم عاکفون فی المسجد» در مقام بیان این نیست که اعتکاف در هر مسجدی جایز است، بلکه در مقام بیان این است که مباشرت با زنان در حال اعتکاف و در مسجد صحیح نیست و ثانیاً لفظ مساجد در آیه در مقام اخبار از جنس است نه استغراق. یعنی اینکه آیه در مقام بیان این است که اعتکاف باید در مساجد باشد ولی در مقام بیان این نیست که اعتکاف در هر مسجدی جایز است. ثالثاً به فرض آنکه لفظ مساجد اطلاق داشته باشد روایات متواتر و یا مستفیضی هست که در آنها مسجد مقید شده است به مسجد جماعت، جمعه و... و چون

اطلاق مسجد در قرآن مورد نظر نیست، صناعت فقهی اقتضاء می‌کند که اطلاق مساجد در قرآن به قیده‌های موجود در روایات یادشده مقید گردد و اما آنچه از ابن‌ابی‌عقیل نقل شد مبنی بر اینکه اعتکاف در هر مسجدی صحیح است، روایت نیست و نظر شخصی وی است؛ چنان‌که ظاهر نقل عبارت همین مطلب را می‌رساند و نمی‌تواند به عنوان روایت تلقی شود. اطلاق روایت داود بن حصین نیز دلیل نمی‌شود که هر مسجدی می‌تواند مکان اعتکاف باشد؛ زیرا اولاً داود بن حصین واقفی است و بسیاری در عمل به روایات وی توقف کرده‌اند (موحد ابطحی، بی‌تا، ۴۹۲/۵). هر چند برخی او را توثیق کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۱۵۹). ثانیاً روایت داوود مانند آیه یادشده باید به قید مسجد جامع و یا مسجد جماعت که در روایات دیگر آمده است مقید گردد. پس این ادعا که هر مسجدی می‌تواند محل اعتکاف باشد صحیح نیست.

۲. هر مسجدی که پیامبر ﷺ یا وصیش اقامه نماز جماعت کرده‌اند

یکی از دیدگاه‌ها این است که اعتکاف تنها در مساجد ثلاثه که عبارت است از مسجد الحرام، مسجد الأقصی و مسجد النبی جایز است (جصاص، ۱۴۰۵ ق، ۱/ ۳۰۲؛ مظهری، ۱۴۱۲ ق، ۲۰۸/۱).

از نظر بسیاری از فقیهان شیعه نیز اعتکاف تنها در مسجدی جایز است که پیغمبر ﷺ و یا امام ﷺ و وصی او در آن اقامه نماز جماعت کرده باشند. مستند نظر آنان نصوص مانند این روایت است: «أَنَّهُ لَا يَكُونُ الْإِعْتِكَافُ إِلَّا فِي مَسْجِدٍ - جَمَعَ فِيهِ نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ نَبِيٍّ - قَالَ وَ هِيَ أَرْبَعَةٌ مَسَاجِدَ - الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ جَمَعَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ص - وَ مَسْجِدُ الْمَدِينَةِ جَمَعَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدُ الْبَصْرَةِ جَمَعَ فِيهِمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۵۴۲/۱۰).

برخی مانند مفید روایتی را به همین مضمون در مقنعه به نحو مرسل آورده و در پی آن نظر داده است که مساجدی که در آنها پیغمبر ﷺ و یا وصی او اقامه جماعت کرده‌اند چهار مسجدند که عبارت است از: مسجد الحرام که رسول خدا در آن اقامه جماعت کرده است، مسجد النبی که رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ در آن اقامه جماعت کرده‌اند، مسجد کوفه

و مسجد بصره است که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن دو، اقامه جماعت کرده است^{۱۰}. مقصود از اقامه جماعت به نظر مفید اقامه جمعه و جماعت است نه فقط اقامه جماعت نمازهای یومیه (مفید، ۱۴۱۳ق، ۳۶۳). طوسی نیز اعتکاف در غیر این مساجد را جایز نمی داند دلیل نام برده این است که از شرایط اعتکاف این است که در مسجدی باشد که نبی یا امام عادل جمعه را با شرایط آن اقامه کرده باشد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۱/۲۸۹). در نتیجه روایات یادشده بیانگر آن است که اعتکاف تنها در چهار مسجد یادشده جایز است و در دیگر مساجد جایز نیست. برخی مسجد مدائن را نیز اضافه کرده‌اند، چون امام حسن علیه السلام در آن اقامه جماعت کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۲/۱۵۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۷/۱۷۱). ظاهر برخی از روایات مؤید این دیدگاه است. چنان‌که در روایتی مرسل آمده است^{۱۱} اعتکاف جایز نیست مگر در مسجدی که امام علیه السلام در آن خطبه خوانده و نماز جمعه اقامه کرده باشد. ابن بابویه نیز روایت فوق را در مقنع (ابن بابویه، ۱۴۱۵ق، ۲۱۰) به صورت مرسل آورده و بر اساس آن چنین فتوا داده است: اعتکاف جایز نیست مگر در پنج مسجد که عبارت است از: مسجد الحرام، مسجد الرسول، مسجد کوفه، مسجد مدائن و مسجد بصره. وی در مقام تعلیل به روایت یادشده استناد کرده و می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد مکه و مدینه و امیرالمؤمنین علیه السلام در پنج مسجد یادشده اقامه جمعه کرده است (همان‌جا). برخی از فقیهان چهار مسجد را نام برده‌اند (مسجد الحرام، مسجد مدینه، مسجد کوفه و مسجد بصره) (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ۱/۲۵۵). شریف مرتضی در الانتصار نیز به نحو مذکور فتوا داده است (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ۱۵۱). هر چند در پایان وجه تخصیص را فضل و شرف مساجد چهارگانه قرار داده است که ممکن است حمل بر افضلیت اعتکاف در آن مساجد شود.

روشن است که مفاد این روایت مرسل با آنچه مفید در مقنعه آورده است متفاوت است و یکی دانستن آنها چنان‌که در جواهر آمده است درست نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۷/۱۷۳-۱۷۲). هر چند ممکن است فتوای ابن بابویه و مفید یکی باشد، این علت آن نمی‌شود که

۱۰. گفتنی است که حر عاملی در وسائل الشیعه نقل کرده است که این روایت را ابن بابویه در مقنع به صورت مرسل آورده و حال آنکه نقل ابن بابویه روایت دیگری است که در جای خود به آن خواهیم پرداخت و آنچه به نحو مرسل با عبارت یادشده آمده است در مقنعه مفید است و شاید هم خطای ذهن از مرحوم حر عاملی سبب این استناد شده است.

۱۱. وَ فِي كِتَابِ الْمُقْنَعِ قَالَ رَوَى لَأِ غَتِكَافِ إِلَّا فِي مَسْجِدِ تَصَلَّى فِيهِ الْجُمُعَةُ بِإِمَامٍ وَ خُطْبَةٍ.

مستند فتاوی آن دو یکی باشد. چنان‌که مستند فتوای مفید در مقنعه با مستند فتوای ابن‌بابویه در مقنعه دو روایت است که هر یک از نظر عبارت و مفاد با یکدیگر متفاوت است. دیدگاه یادشده مبنی بر اینکه محل اعتکاف تنها مسجدی است که پیامبر ﷺ و یا امام ﷺ و وصی او در آن اقامه جماعت کرده باشد، به جهات گوناگونی مخدوش و ادعای بدون دلیل است، هرچند به اکثر و یا مشهور فقیهان نسبت داده شده است و یا بر مضمون آن ادعای اجماع شده است؛ زیرا:

۱- مبنای این نظر روایت مفید در مقنعه است و چنان‌که بیان شد آن روایت مرسل است و اعتبار ندارد؛

۲- هم‌چنین ادعای اجماع برای عمل به روایت یادشده با وجود مخالفت بزرگانی از اصحاب با آن و نیز وجود روایات مخالف صحیح نیست (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ۷۳۲/۲-۷۳۱). افزون بر آن ممکن است مدرک اجماع‌کنندگان همین روایت مرسل باشد که در این صورت اجماع مدرکی بوده و اجماع مدرکی حجیت ندارد؛

۳- نیز ادعای فتوای مشهور بر طبق آن، تحقیق‌ناشده است؛ زیرا برخی از کسانی که در زمره مشهور به حساب آمده‌اند فتوا به خلاف ادعای یادشده داده و معتقدند که در هر مسجدی که امام عادل در آن نماز بخواند اعتکاف جایز است (شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ۲۰۰-۱۹۹). کلمه امام به نحو مطلق آمده و شامل هر امام ظاهرالصلاحی می‌شود، اعم از اینکه معصوم باشد و یا نباشد و اعم از اینکه عادل واقعی باشد و یا نباشد. بنا بر این تأویل آن روایت بر امام عادل معصوم خلاف ظاهر است. این فتوا با فتوایی که می‌گوید در مسجدی اعتکاف جایز است که نبی یا وصی نبی جماعت خوانده باشد بسیار متفاوت است و نمی‌توان آن دو را یکی دانست. هم‌چنین برخی از فقیهان مثل نجفی ادعا کرده‌اند که مکان اعتکاف باید مسجدی باشد که در آن نماز جمعه اقامه شود (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۲/۱۷) و برخی بر این باورند که در هر مسجدی که در آن اقامه جماعت بشود اعتکاف جایز است (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۲۴۶/۲). بدیهی است که با وجود دیدگاههای متفاوت یاد شده ادعای شهرت بر عدم جواز اعتکاف جز در مساجد اربعه و یا خمسه صحیح نیست؛

۴- افزون بر آن، روایت مورد استناد این ادعا معارض است با روایاتی که در آنها پس از ذکر مساجد مکه، مدینه و کوفه، از مسجد جامع و یا مسجد جماعت نام برده شده است؛ چنان‌که حلبی از امام صادق ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: اعتکاف صلاحیت ندارد

مگر در مسجد الحرام یا مسجد الرسول یا مسجد کوفه و یا مسجد جماعت^{۱۲} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱۷۷/۴-۱۷۶). بیشتر بزرگان این روایت را صحیح یا حسن دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۴۶۶/۱۳؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ۵۵۲/۱۰) و نیز روایات مورد استناد این ادعا معارض است با موثقه ابن‌سنان (حکیم، ۱۴۱۶ق، ۵۴۸/۸) که در آن آمده است: اعتکاف صلاحیت ندارد مگر در مکه یا مسجد الرسول یا مسجدی که در آن جماعت برگزار می‌شود^{۱۳} (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲۹۳/۴).

۵- افزون بر آن امام عادل در روایت فوق نمی‌تواند به معنای امام معصوم باشد؛ زیرا در برخی روایات هر دو واژه آمده است (یعنی هم واژه امام عادل و هم واژه امام به نحو مطلق)؛ چنان‌که در روایتی ابن‌سعید از امام صادق علیه السلام دو مطلب نقل می‌کند یکی جواز اعتکاف در هر مسجدی که امام عادل در آن نماز جمعه برگزار کرده است و دیگری جواز اعتکاف در هر مسجدی که نماز جمعه به وسیله امام در آن برگزار می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵۴۲/۱۰).^{۱۴} در این روایت امام صادق علیه السلام حکم را برای همه مساجدی که در آن نماز جمعه با امام برگزار می‌شود بیان کرده است و به عبارت دیگر جمله اول نظر به مسجدی دارد که امام عدل در آن نماز جمعه خوانده است و جمله بعدی نظر به همه مساجدی دارد که در آن امام جماعتی هست و جمعه را اقامه می‌کند. در این صورت بر فرض که امام عادل همان امام معصوم باشد باید روایت حمل بر افضلیت اعتکاف در مساجد پنج‌گانه شود. افزون بر آن در موثقه عمر بن یزید^{۱۵}، امام عادل بر امام معصوم و غیر معصوم اطلاق شده است، آنجا که عمر بن یزید از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند نظر شما درباره اعتکاف در مساجد بغداد چیست؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: اعتکاف صحیح نیست مگر در مسجدی که امام عادل در آن نماز جماعت خوانده باشد و سپس حضرت می‌فرماید باکی نیست که در مسجد کوفه،

۱۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْإِعْتِكَافِ قَالَ لَا يَصْلُحُ الْإِعْتِكَافُ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ - أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله أَوْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ أَوْ مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ وَ تَصُومُ مَا دُمْتَ مُعْتَكِفًا.

۱۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْمُعْتَكِفُ بِمَكَّةَ يُصَلِّي فِي أَيِّ بُيُوتِهَا شَاءَ سِوَاءَ عَلَيْهِ صَلَّى فِي الْمَسْجِدِ أَوْ فِي بُيُوتِهَا وَقَالَ لَا يَصْلُحُ الْعُكُوفُ فِي غَيْرِهَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَوْ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ الْجَمَاعَةِ.

۱۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جَوَّازَ الْإِعْتِكَافِ فِي كُلِّ مَسْجِدٍ - صَلَّى فِيهِ إِمَامٌ عَدَلٌ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ جَمَاعَةً - وَ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي تُصَلِّي فِيهِ الْجُمُعَةُ بِإِمَامٍ وَ حُطْبَةٍ.

۱۵. برخی از روایات به صحیح‌ه تعبیر می‌کنند (ر.ک: تبریزی، بی‌تا، ۲۳۲).

بصره، مدینه و مکه اعتکاف کند^{۱۶} (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۰/۵۴۰). روشن است که امام عادل در این روایت اختصاص به امام معصوم ندارد و در غیر این صورت امام نمی فرمود باکی نیست که در مسجد کوفه و بصره و مکه اعتکاف شود، بلکه می فرمود باید در مسجد کوفه و غیره اعتکاف شود. بر همین اساس حر عاملی نیز امام عادل در این روایت را به اعم از امام معصوم و غیر معصوم معنا کرده است (همان، ۱۰/۵۴۱). بر این اساس قید امام عادل در روایات ناظر است به شرط عدالت در امام جماعت. در نتیجه روایات دلالت ندارند بر اینکه اعتکاف تنها در مسجدی جایز است که امام معصوم در آن اقامه جمعه یا جماعت کرده باشد بلکه در هر مسجدی که امام عادل هر چند غیر معصوم باشد اقامه جمعه یا جماعت کند اعتکاف جایز خواهد بود.

۳. محل اعتکاف مسجد جامع است

برخی از عالمان اهل سنت بر این باورند که مکان اعتکاف مسجد جامع است؛ چنانکه به مشهور مذهب مالکی نسبت داده شده (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۲/۳۳۷) و زهری نیز آن را مختص مسجد جامع می داند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱/۴۶۵). بسیاری از فقیهان شیعه نیز همین باور را دارند (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ۱/۳۱۸؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق، ۱/۳۵۰؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۵/۳۶۷). طباطبایی یزدی به آن فتوا داده و اعتکاف در مساجد اربعه را احتیاط مستحب دانسته است (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ۳/۶۷۲). خوبی با اعتقاد به اینکه مکان اعتکاف مسجد جامع است می گوید: مفید، محقق حلی و شهیدین و بسیاری از متأخرین مکان اعتکاف را مسجد جامع می دانند^{۱۷} و حلی در منتهی آن را به مشهور نسبت داده و جماعتی بر آن ادعای اجماع کرده اند. مقدس اردبیلی آن را مذهب برخی از متأخرین می داند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۵/۳۶۷). فقیهان برای صحت ادعای خود به روایاتی از حلبی: «لا

۱۶. «مَا تَقُولُ فِي الْاِعْتِكَافِ بَعْدَ اَدَاءِ فِي بَعْضِ مَسَاجِدِهَا فَقَالَ لَا اِعْتِكَافَ اِلَّا فِي مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ قَدْ صَلَّى فِيهِ اِمَامٌ عَدْلٌ بِصَلَاةِ جَمَاعَةٍ وَ لَا بَأْسَ اَنْ يُعْتَكَفَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ الْبَصْرَةِ وَ مَسْجِدِ الْمَدِيْنَةِ وَ مَسْجِدِ مَكَّةَ».

۱۷. بعید است چنین نسبتی به مفید درست باشد زیرا وی تعبیر به جامع ندارد بلکه می گوید: مراد از جمع در عبارت «و لا یكون الاعتکاف إلا فی المسجد الأعظم... لا یكون إلا فی مسجد جمع فیہ نبی او وصی نبی...» اقامه نماز جمعه است. در حقیقت وی جمع را قید مسجد نمی داند بلکه قید برای مردم و اقامه جمعه می داند (مفید، ۴۱۳ق، ۳۶۳) یعنی مکان اعتکاف مسجدی است که در آن اقامه جمعه می شود.

اعتکاف إلیاً بصوم فی مسجد الجامع» (کلینی، ۱۴۱۱ق، ۱۷۶/۴)، داود بن سرحان: «لا أری الاعتکاف إلیاً فی المسجد الحرام و مسجد الرسول أو مسجد جامع» (کلینی، ۱۴۱۱ق، ۱۷۶/۴) و علی بن عمران: «المعتکف یعتکف فی المسجد الجامع» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲۹۰/۴) استناد می‌کنند (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ۳۵۰/۱؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۳۶۷/۵). روایات یادشده هر چند از نظر سند صحیح باشد، اما دلالت ندارد بر اینکه تنها مسجد جامع به معنای مصطلح امروز، محل اعتکاف است و اعتکاف در دیگر مساجد هر چند بسیاری از مؤمنین در آن اقامه جماعت می‌کنند، اعتبار ندارد؛ زیرا:

۱- چنان‌که خوانساری گفته است مراد از مسجد جامع، مسجدی است که معظم نمازگزاران در آن اقامه جماعت می‌کنند و یا نمازگزاران زیادی در آن، نماز جماعت می‌خوانند (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ۲۴۶/۲). شاید بتوان گفت که این دیدگاه از عبارت مرحوم حکیم نیز استظهار می‌شود؛ زیرا ایشان پس از حمل روایات دال بر اعتبار جامع بر اراده جامع جماعت می‌گوید: متحصّل از جمیع روایات جواز اعتکاف در مساجد اربعه است، هر چند در آنها جماعت اقامه نشود و نیز جواز اعتکاف در هر مسجدی که در آن جماعت صحیح منعقد می‌شود. از این‌رو نجفی با اعتقاد به اینکه مسجد جامع محل اعتکاف است می‌گوید مراد از مسجد جامع مقابل مسجد بازار و قبیله و دیگر مساجدی است معظم اهل بلد در آن نماز نمی‌خوانند، حال اگر در یک شهر مسجد جامع متعدد شد در تمام آنها اعتکاف جایز است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۱/۱۷). بر اساس دیدگاه نام‌برده هر مسجدی که جمع قابل توجهی از مؤمنین در آن اقامه جماعت کنند مسجد جامع است. بنابراین عنوان مسجد جامع موضوعیت ندارد، بلکه مراد مفهوم جامع یعنی محل برگزاری نماز جماعت است و از این‌رو روایاتی که در آنها مسجد جامع محل اعتکاف دانسته شده است با روایاتی که محل اعتکاف را مسجدی می‌داند که در آن جماعت برگزار می‌شود به یک معنا و دارای مقصود واحدی است، به‌ویژه آنکه در برخی از روایات که ملاحظه شد مثل روایت ابوالصباح و داوود بن سرحان به جای مسجد جامع نسخه بدل جماعت نیز آورده شده است.

۲- روایت موثق عمر بن یزید می‌تواند شاهی بر وجه جمع یادشده باشد؛ زیرا در آن روایت از امام صادق علیه السلام درباره اعتکاف در مساجد بغداد سؤال می‌شود و امام به جهت اینکه بیشتر ائمه جماعات مساجد بغداد از طرف حاکم جور نصب می‌شدند (حکیم، ۱۴۱۶ق، ۵۴۸/۸) و اهل حق نبودند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۲/۱۷)، جواز اعتکاف در مساجد بغداد را

به صورت مطلق نفی نمی‌کند، بلکه اعتکاف را مقید می‌کند به مسجدی که در آن امام عدل اقامه جماعت می‌کند: «لا اعتکاف إلا فی مسجد جماعة قد صلی فیہ إمام عدل صلاة جماعة.» با توجه به اینکه امام در مقام بیان بوده است و روشن است که مسجد مرکزی یا مسجد جامع بغداد در تصرف امام منصوب از طرف حاکم جور بوده است، هدایت سائل به مسجدی از مساجد بغداد که در آن امام عدل اقامه جماعت می‌کند، بیانگر کفایت اعتکاف در هر مسجدی است که مؤمنین با امام عدل اقامه جماعت می‌کنند.

۳- اگر به روایات مسجد جماعت عمل شد می‌توان روایات اعتکاف در مساجد اربعه و مسجد جامع را حمل بر افضلیت کرد، اما اگر به روایات مسجد جامع عمل شود روایات اقامه جماعت متروک می‌شود و چنین اقدامی صحیح نیست.

۴- بر اساس آنچه بیان شد این ادعا که کلمه «جماعت» در نصوصی که محل اعتکاف را مسجدی می‌داند که در آن اقامه جماعت می‌شود، وصف خود مسجد است، نه نماز منعقد در مسجد تا بر (کفایت) اعتبار اقامه جماعت دلالت کند (هر چند مسجد جامع به معنای مصطلح نباشد) ناتمام است؛ زیرا افزون بر آنکه از بزرگانی نقل شد که مراد از مسجد جامع، مسجدی است که معظم نمازگزاران در آن اقامه جماعت می‌کنند و موثق عمر بن یزید نیز شاهد این برداشت است، مسجد مذکور است و کلمه «جماعة» نمی‌تواند وصف آن باشد.

نظریه منتخب

با توجه به اینکه اعتکاف از عباداتی است که بر عموم مسلمانان مستحب است و یکی از شرایط آن این است که باید در مسجد انجام گیرد عمومیت این عبادت اقتضا می‌کند که در هر مسجدی که اقامه جماعت شود اعتکاف جایز است و اعتکاف در آن مسجد نیازی به قصد رجاء و احتمال مطلوب بودن ندارد؛ زیرا در بخش قابل توجهی از روایات، مسجدی را که نماز جماعت در آن برگزار می‌شود مکان اعتکاف دانسته است مانند روایت یحیی بن علاء رازی ثقه که به صورت مستند از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرموده است: «لَا يَكُونُ اعْتِكَافٌ إِلَّا فِي مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ»؛ اعتکافی نیست مگر در مسجدی که نماز جماعت در آن برگزار می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۰/۵۴۰). در برخی روایات مانند صحیح یا حسن حلبی، امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسش وی از محل اعتکاف، مسجدی را که جماعت در آن برگزار می‌شود در کنار مسجد الحرام، مسجد الرسول و مسجد کوفه قرار

داده است: «عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْإِعْتِكَافِ قَالَ لَا يَصْلُحُ الْإِعْتِكَافُ - إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ عليه السلام - أَوْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ أَوْ مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ - وَتَصَوْمُ مَا دُمْتُ مُعْتَكِفًا» (همان جا). شبیه همین روایت را عبدالله بن سنان ثقه از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که اعتکاف در غیر مکه جایز نیست، مگر در مسجد رسول خدا عليه السلام یا مسجدی از مساجد جماعت: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: لَا يَصْلُحُ الْعُكُوفُ فِي غَيْرِهَا يَعْنِي غَيْرَ مَكَّةَ - إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام - أَوْ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ الْجَمَاعَةِ» (همان، ۵۳۹/۱۰). آیت الله خوئی هر سه روایت یادشده (یحیی بن علاء، حلبی و ابن سرحان) را صحیح می‌داند و در نتیجه از روایات یادشده استفاده می‌شود که مسجدی که در آن نماز جماعت اقامه می‌شود برای اعتکاف کفایت می‌کند. این دسته از روایات از نظر سند سالمتر از دیگر روایات باب اعتکاف است و از حیث دلالت بر مفاد و مدعای ما صریح هستند. بر این اساس، مسجد به صورت مطلق نمی‌تواند محل اعتکاف باشد و چنان‌که بررسی شد نصوص مربوط به آن از حیث دلالت اشکال دارد. هم‌چنین این ادعا که تنها مسجدی که پیغمبر عليه السلام و یا امام معصوم عليه السلام در آن اقامه جمعه و جماعت کرده است و نیز ادعای اینکه مسجد جامع محل اعتکاف است ناتمام است و نصوص مربوط به آنها، از حیث سند و نیز از حیث دلالت بر انحصار ناتمام است.

نتیجه

۱. اعتکاف از عباداتی است که تنها در مسجد انجام می‌پذیرد و در غیر مسجد، فاقد مشروعیت است؛
۲. نیز با بررسی روایات یادشده روشن شد که مراد از مسجد محل اعتکاف تنها مساجد اربعه یا خمسه، یا مسجد اعظم و یا مسجد جامع به معنای اصطلاحی آن نیست، بلکه روایات دلالت دارد بر اینکه هر مسجدی که در آن اقامه جماعت شود برای اعتکاف مشروعیت دارد؛
۳. هم‌چنین روایاتی که به ظاهر مفید انحصار در مساجد اربعه یا خمسه است تنها بر افضلیت آن مساجد دلالت دارد؛
۴. هم‌چنین روشن شد که بر اساس روایات فریقیت مسجد به صورت مطلق هر چند متروکه باشد و در آن اقامه جماعت نشود نمی‌تواند محل اعتکاف باشد؛

۵. مهمترین یافته این مقاله این است که کلمه جامع در برخی روایات، با کلمه جماعت به کار رفته در برخی دیگر از روایات معنای واحدی داشته و تنها اختلاف در تعبیر است و مقصود هر دو دسته روایات این است که در هر مسجدی که جمعی از مؤمنین در آن جماعت برگزار می‌کنند اعتکاف صحیح است اعم از اینکه آن مسجد در روستا باشد یا شهر و اعم از اینکه اعتکاف واجب باشد و یا مستحب؛

۶. بر اساس نظریه نگارنده اعتکاف عبادتی است که عموم افراد جامعه اسلامی در همه بلاد اسلامی و در هر مسجدی که در آن جماعت برگزار می‌شود می‌توانند به انجام آن مبادرت کنند.

فهرست منابع

- ابن ابی عقیل، حسن بن علی، مجموعه فتاوی ابن ابی عقیل، قم، اخلاص، ۱۴۰۶ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، المقنع، قم، مؤسسه امام هادی، ۱۴۱۵ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
- ابن عربی مالکی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، بی جا، بی نا، بی تا.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، تفسیر البحر المحیط، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
- ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین، الکافی فی الفقه، اصفهان، مکتبه الامام أميرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۳ق.
- انصاری، زکریا بن محمد، فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- تبریزی، جواد بن علی، تنقیح مبانی العروة - کتاب الاعتکاف، قم، بی نا، بی تا.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- حسینی روحانی، سید محمدصادق، فقه الصادق، قم، مؤسسه دارالکتب، ۱۴۱۲ق.
- حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم، مؤسسه دارالتفسیر، ۱۴۱۶ق.
- حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰ق.
- خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم؛ بیروت، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.

- زمخشری، محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، بیروت، دارالكتاب العربی، ١٤٠٧ق.
- سرخسی، محمد بن احمد، *المبسوط*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت، دارالمعرفه، ١٣٦٥ق.
- شریف مرتضی، علی بن حسین، *الإنتصار فی انفرادات الإمامیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٥ق.
- شهید اول، محمد بن مکی، *غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ١٤١٤ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم، کتابفروشی داوری، ١٤١٠ق.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، *العروة الوثقی*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ١٤٠٩ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران، المكتبة المرتضویة، ١٣٨٧ق.
- همو، تهذیب الأحكام، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ١٤٠٧ق.
- همو، *الإستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ١٣٩٠ق.
- فاضل آبی، حسن بن ابی طالب، *کشف الرموز فی شرح المختصر النافع*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٧ق.
- فاضل لنکرانی، محمد، *تفصیل الشریعة - الصوم و الاعتکاف*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ١٤٢٦ق.
- فاضل مقداد (سیوری حلّی)، مقداد بن عبدالله، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، تهران، مرتضوی، ١٣٧٣ش.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ١٣٨٧ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، دارالهجرة، ١٤٠٩ق.
- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ١٣٧١ش.
- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصرخسرو، ١٣٦٤ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٤٠٧ق.
- مالک بن انس، *الموطأ*، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ١٤٠٦ق.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، *المعتبر فی شرح المختصر*، قم، مؤسسه سید الشهداء، ١٤٠٧ق.
- همو، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ١٤٠٨ق.

- مشکینی، علی، *مصطلحات الفقه*، قم، الهادی، ۱۴۱۹ق.
- مظہری، محمد ثناء اللہ، *التفسیر المظہری*، پاکستان، مکتبہ رشیدیہ، ۱۴۱۲ق.
- مفید، محمد بن محمد، *المقنعة*، قم، کنگرہ جهانی ہزارہ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذہان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- موحد ابطحی، محمد علی، *تہذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال للشیخ الجلیل النجاشی*، بی جا، بی نا، بی تا.
- نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، *مستند الشیعة فی احکام الشریعة*، قم، مؤسسہ آل البیت علیہ السلام، ۱۴۱۵ق.
- نووی، یحییٰ بن شرف، *المجموع شرح المہذب*، بیروت، دار الفکر، بی تا.